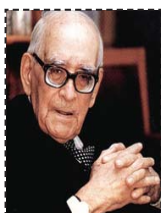


چهارده

دوهفته نامه ۱۴ / شماره نوزدهم / سال دوم / نیمه دوم آذر ماه ۱۳۸۵

سب بیدار سب بیدار

سب بیدار



چهره های ماندگار
پروفسور محمود حسابدی



گشت و گذاری
در
آسیا



نگران
نگرانی های تان
نباشید



حس عمومی و اعتقاد عمیق ملت ایران این است که حضور در انتخابات دخالت در سرنوشت جامعه و تصمیم‌گیری درباره سطوح مختلف مدیریت کشور است و به همین علت مردم، این وظیفه عمومی را به خوبی انجام می‌دهند.

دکتر کردان در جمع کارشناسان ستاد سازمان:

معاونت سنجش و تحصیلات تکمیلی در سازمان ایجاد خواهد شد



دکتر کردان با تأکید بر اینکه تنها دو مرکز سنجش کرج و ساری مراکز سنجش حقیقی هستند گفت: بزودی معاونت سنجش و تحصیلات تکمیلی را در سازمان ایجاد خواهیم کرد.

وی از جذب اعتبار ۳۶ میلیارد تومانی از مجلس شورای اسلامی برای ادامه ساخت و ساز ۱۲۰ مرکز آموزشی خبر داد و افزود: این پروژه‌ها باید در موعد مقرر به پایان برسد. دکتر کردان تلاش در جهت رسانه‌ای کردن سازمان را با هدف اهمیت بخشیدن به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نزد افکار و آرای عمومی دانست که باید با عملکرد صحیح کامل شود و افزود: اگر خوب عمل نکنیم، تبلیغات صرف حتی باعث تخریب است.

معاون وزیر کار و امور اجتماعی در خاتمه ایجاد ۷۲ مرکز در شهرک‌های صنعتی، راه‌اندازی آموزش‌های مجازی مؤثر دو سویه و طرح هجرت برای آموزش روستائیان در مناطق محروم را از اقدامات مؤثر اخیر در سازمان معرفی کرد. در پایان این نشست نمایندگان ادارات ستادی نقطه نظرات، دیدگاه‌ها و پیشنهادات خود را ارایه کردند.

دکتر کردان:

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور برای بالندگی نیاز به یک جهش همگرایانه دارد

دکتر کردان در دومین نشست پرسش و پاسخ با کارشناسان ستادی با عنوان این مطلب که سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور برای بالندگی نیاز به یک جهش همگرایانه دارد اظهار داشت: توقع من از کارشناسان این است که با تولید فکر و پیگیری آن زمینه‌های مثبتی را در جهت ارتقاء و پیشبرد اهداف سازمان فراهم نمایند. رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور افزود: از آنجائیکه سیاست‌گذاری‌ها واحد است، اشکالی ندارد که در اجراء، متکثر عمل کنیم، مهم این است که در اجراء کارهای همدیگر را خنثی نکنیم و در شعاع کار، تلاش و پیگیری گام‌های مؤثر خود را برداریم.

وی گفت: آموزش و استاندارد آموزشی امری است همیشگی و مستمر و در این راستا همه تلاش ما بر خروچی محور کردن آموزش‌هایی است که منجر به کار شود و مصمم هستیم تدارک منابع تشویقی برای آموزشگاه‌ها و مربیان آموزشی را گسترش دهیم.

ای خدای نزدیک! که از مغروران و فرهیختگان دور نیستی، ای بخشندگی که نسبت به امیدواران جود و بخشش، بخل نمی‌ورزی، خدایا! مرا قلبی بخش که شوق و عشق، به تو نزدیکش سازد، و زبانی عطا کن که صداقت و راستی اش به درگاهت بالا رود و نگاهی بخش، که حقیقتش، زمینه ساز قرب به تو گردد!

خداوند! آنکه به تو معروف گردد، ناشناخته نیست، آنکه به تو پناه آورد، خوار و درمانده نیست، و آنکه تو، به او روی عنایت آوری برده دیگری نیست، خدایا! آنکه از تو راه را یافت، روشن شد و آنکه پناهنده تو شد، پناه یافت، خداوند! من به تو پناه آورده‌ام، از رحمت خویش مأیوس و محروم مساز و از رأفت و مهربانیت محروم مگردان

سخن نخست

دیروز یکی از همکاران می‌گفت: ای کاش امسال شب چله همه دور هم بودیم. بعد من فکر کردم یک چیزی در این جمله آشنای غریبی است. «دور هم» راست می‌گفت. خیلی وقت است که کلمه «دور هم» را با دوست، آشنا، همسایه و حتی فامیل تجربه نکرده ایم. مشغله است یا گرفتاری؟ نمی‌دانم.

اتفاقاً از نظر اول همه می‌گویند که زندگی سخت شده است و هر کس باید به فکر خودش باشد.

ولی این روزها من برای نوشتن این «سخن نخست» خیلی فکر کردم و دیدم سرد شدن روابط آدم‌ها خیلی هم به مسایل اقتصادی مربوط نیست. اینکه یک جایی جواب سلام تان را نمی‌دهند، بد اخلاقی و تندخویی می‌بینید و هزار شکل بدتر برخورد‌های نامناسب اجتماعی، چه ربطی به پول دارد. مگر نه اینکه خوش اخلاقی رزق را افزون می‌کند پس چرا خوش خلق نیستیم؟

حضرت امیرمؤمنان (ع) یکی از حقوق مسلم اولیه هر کسی را داشتن کرامت انسانی می‌داند. علی (ع) معتقد است کرامت انسانی هدیه خداوند است و ما نه تنها حق نداریم به کرامت سایرین تجاوز کنیم، بلکه نسبت به کرامت خویشان هم حق کوتاهی نداریم.

حالا شما ببیند در جامعه ای که ارتباطات انسانی اش بر پایه احترام متقابل و حفظ کرامات انسانی است چه اتفاق مبارکی رخ می‌دهد.

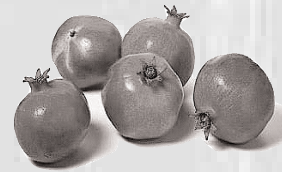
... و همکارم ادامه داد: اگر دور هم می‌نشستیم کلی حرف واسه گفتن داشتیم.

و من فکر کردم این آشنای غریبه اگر بشود، اسم یلدای امسال را می‌گذارم «یلدای کرامت انسانی» تا در طولانی‌ترین شب‌سال بتوانیم «دور هم» آن را تمرین کنیم.





تولد خورشید در طولانی ترین شب سال



فامیل، آن را به نشانه عشق و صداقت نهفته در دل‌های بی ریا، در جمع ساده و مهربان خود نقل می‌کردند.

آن روزها نه از گرانی بی حد و حصر خبری بود و نه از گلایه‌های بی وقفه صاحبخانه که به جد مخالف هرگونه فامیل و فامیل بازی و احیای سنت‌های دیرین ایرانی است.

امروز اما آدمیان محصور در میانه سنگ و چوب و آجر، نه تنها گرمی محبت و عشق را از یاد برده‌اند، که حتی با یادآوری شب یلدا و خرج‌های کلان این شب، همه غم و نگرانی عالم را به یکجا در دل خود می‌بینند شهروندان شهر خسته و دود زده پایتخت، با تداعی همه وام‌های عقب افتاده، و نگرانی‌های روزمره زندگی شهری، شب یلدا را در آلبوم‌های قدیمی شان جستجو می‌کنند.

صدای پای یلدا می‌آید، صدای پای زمستانی دیگر می‌آید، بیابیم قدر یکدیگر را بدانیم.

صدای تیک تاک ساعت صدای زندگی است و شریان اصلی آن داشتن روحیه شاد توام با مهروری به دیگران است و خدا می‌داند که چقدر زیباست از هر فرصتی برای شاد و زیستن کمک بگیریم. شادی به کمک ما می‌آید برای خوب زیستن و حالا شب یلدا فرصتی برای آن.

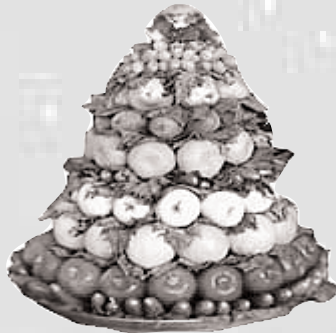
مهر رخشا نکوترین چهر است شب یلدا تولد مهر است



شیرینی و میوه فروشی‌ها مالمال از جمعیت است، وانت‌های پر از هندوانه چهره‌ای دیگر به شهر می‌دهند.

جشن شب چله، همچون بسیاری از آیین‌های ایرانی، ریشه در رویدادی کیهانی دارد.

البته آن روزهای دور و این روزهای نزدیک آن روزها که داستان پینه بسته مادر بزرگ هنوز



می‌توانست در روزهای سرد و برفی زمستان، بساط کرسی و لحاف و مجمعه بزرگ روی آن را برپا کند، دل آدمی سرخوش از روزهای به ظاهر همیشگی و ماندنی، خاطرات عشق و صفا و صمیمیت را با همه لحظات خود به یاد می‌کشید. یلدای آن سالها دور و به یادماندنی، هنوز در پستوی سرد و خاطرات دوران کودکی رخ‌نمایی می‌کند.

اهالی مهربان و بی ادعای این مرز و بوم، روزگاری نه چندان دور، در میان همه سردی و سیاهی زمستان، شبی را پاس می‌داشتند که پیش از هر چیز نمایشگر انس و الفتی بود که کودکان سرخوش و بزرگترهای سبک خیال آن زمان، در زیر لحاف سنگین کرسی و بوی ذغال سوخته زیر آنرا، حس می‌کردند شب یلدا، دوستان کهنه و دوست داشتنی شبهای دوری است که همه اهالی یک

شب چله شب اول زمستان و درازترین شب سال است. فردای آن با دمیدن خورشید، روزها طولانی تر شده و تابش نور ایزدی افزونی می‌یابد. ایرانیان باستان، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا زایش خورشید می‌خواندند و برای آن جشن بزرگی برپا می‌کردند.

این جشن در ماه پارسی دی قرار دارد که نام آفریننده در زمان قبل از زرتشتیان بوده است که بعدها و به نام آفریننده نور معروف شد، همان که در زبان انگلیسی day خوانده می‌شود.

یلدا و جشنهای مربوطه که در این شب برگزار می‌شود، یک سنت باستانی است. یلدا یک جشن آریایی است و پیروان میترا بیستم آن را از هزاران سال پیش در ایران برگزار می‌کرده‌اند.

یلدا روز تولد میترا یا مهر است. این جشن به اندازه زمانی که مردم فصول را تعیین کردند کهن است.

آیین شب یلدا یا شب چله، خوردن آجیل مخصوص، هندوانه، انار و شیرینی و میوه‌های گوناگون است که همه جنبه نمادین دارند و نشانه برکت، تندرستی، فراوانی و شادکامی هستند. در این شب فال گرفتن از کتاب حافظ مرسوم است. حاضران با انتخاب و شکستن گردو از روی پوکی و یا پری آن، آینده گویی می‌کنند.

هم اکنون این آیین قدیمی در شهرهای مختلف ایران برگزار می‌شود و در روز سی آذرماه تا غروب، چهره شهرهای ایران دیدنی است، مردم همه در تکاپو هستند و به خودشان خوشی، تزیین می‌کنند،



لطیفه های بی مزه

مادر: تو باهات ازدواج کن، من کاری می‌کنم که جهنم رو از نزدیک

ببینه

شعبده بازی روی صحنه هنرنمایی می‌کرد که ناگهان گفت: حالا یک خانم بیاید روی صحنه تا من کاری کنم که غیب شود!

😊 فقط یک دفعه

ناگهان مردی از میان جمعیت برخاست و گفت: آقای شعبده باز! قربان دست چند لحظه صبرکن تا من بروم و مادرزمن را بیاورم

مردی برای دوستش درد دل می‌کرد که مادرزن من مرتب به خانه من می‌آید و مزاحم است.

دوستش گفت: مادرزن من در این مدت دو سال که عروسی کردم، فقط یک دفعه به خانه ما آمده است.

اولی: خوش به حالت، مگر امکان دارد که مادرزنت در طول دو سال فقط یک دفعه به خانه ات آمده باشد!

دومی: بله، شب عروسی که آمده هنوز نرفته است.

😊 عکس مادر شوهر

مادر شوهر از عروسی پرسید: اگر از من بدت می‌آید، چرا عکس را کنار بخاری دیواری گذاشته ای؟ عروس گفت: برای این که بچه‌ها به آتش نزدیک نشوند

😊 اطلاع داران

حمید در یک تصادف زیر ماشین رفت و له شد. احمد دوستش مأمور شد که این خبر را طوری به زنش بدهد که از ترس و ناراحتی سکنه نکند! به این منظور به خانه دوست مرحومش رفت و در زد. وقتی زن حمید در را باز کرد، احمد گفت: آیا شوهر شما کوتاه و لاغر بود؟ خانم گفت: بله! چطور؟ احمد گفت: متأسفانه حالا دراز و پهن شده!!

😊 سرویس چینی

قاضی به خانوم: آیا شما متأسف نیستید از اینکه بشقاب‌های چینی را بر سر شوهرتان خرد کرده اید!

خانوم با گریه: چرا، خیلی هم متأسف هستم عالیجناب، برای اینکه سرویس چینی عزیزم ناقص شده است.

😊 راز

زن به مرد: باز هم جلوی مردم به من گفتنی احمق؟
مرد: من نمی‌دانستم که این راز باید بین من و تو مخفی بماند!

😊 پول بلیط

آقا و خانم بگو و مگو داشتند.
خانم گفت: من فردا می‌روم پیش پدرم.

شوهر که از ته دل خوشحال شده بود، دست کرد در جیبش و گفت: این هم پول بلیط هواپیما.

خانم پول را گرفت و غرغرکنان گفت: پس کو پول بلیط برگشت.

😊 آنتن

روزی مرد روستایی تلویزیون خرید و هر کانالی را که آورد تصویر گاو نشان می‌داد پسرش به او گفت: پدر نکند آنتن را در طویله گذاشتی.

😊 زمان شام

مهمان از پسر میزبان پرسید: شما کی شام می‌خورید؟
پسر میزبان جواب داد: مادرم گفته هر وقت شما رفتید.

😊 چه عیبی داره

دختر به مادر: من زن این مرد نمی‌شوم؟
مادر: چرا، مگر چه عیبی داره؟
دختر: او به جهنم اعتقاد نداره!





سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

جدول مربع × مربع

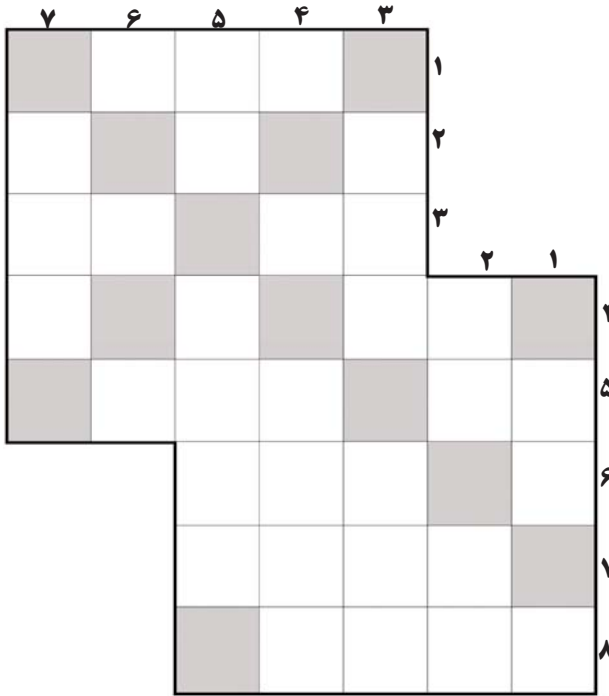


عمودی

- ۱- بار آن به سر منزل مقصود نمی‌رسد.
- ۲- من و شما - تلخ.
- ۳- وسیله‌ی دستی دروی محصول - مادر.
- ۴- عدد مورد علاقه‌ی بچه‌ی محصل‌ها.
- ۵- پهلوان - کامیون کوچک.
- ۷- جگر.

افقی

- ۱- آب فراوانی که مخرب باشد.
- ۳- غذای بیمار - روز نیست.
- ۴- فلز سرخ رنگ.
- ۵- ویتامین انعقاد خون - وسیله‌ی پرواز پرندگان.
- ۶- بمب کاشتنی.
- ۷- از لبنیات
- ۸- تعمیر بناهای قدیمی.



لطیفه



- ☺ دو آهن به زیر آب رفتند، زنگ زدن و فرار کردند!
- ☺ دیوانه‌ای را دیدند که بدون خیس کردن به سرش شامپو می‌زند. به او گفتند: چرا این کار را می‌کنی؟
گفت: روی شامپو نوشته شده است برای موهای خشک!
- ☺ معلم: پسر جان بگو ببینم (کمبوجیه) چه جور پادشاهی بود؟
شاگرد: آقا معلم پادشاه بدی نبود فقط همیشه از کمی بودجه شکایت می‌کرد.

چیستان



- ◀ آن چیست که هر چه از آن برداریم بزرگتر می‌شود؟
- ◀ آن چیست که اگر از ارتفاع بلند به پایین پرت کنیم سالم می‌ماند؟
- ◀ نام کدام پرنده است که از نام دو شهر مذهبی تشکیل شده است؟
- ◀ آن چه رنگی است که برعکسش، حیوانی وحشی می‌شود که در غار زندگی می‌کند!؟

با هم بخندیم به هم نخندیم



حرکت رو به رشد ورزش ایران



داشت که البته در کنار این مسأله، ورزشهای فردی نیز در جایگاه خود بسیار موفق نشان دادند.

در رشته‌های شنا، قایقرانی، ژیمناستیک، تیراندازی و واترپلو نتایج قابل قبولی به دست آمد و رکوردهای داخلی به کرات شکسته شد تا بارقه‌های امید به منظور کسب مدال در دوره‌های آتی توسط ورزشکاران این رشته‌ها پدیدار شود. البته در رشته‌ای مثل واترپلو حضور در جمع ۴ تیم برتر مسابقات، خود دارای ارزشی بالا بود.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد با توجه به عملکرد کلی کاروان ورزشی ایران در بازی‌های دوحه، اعزام تیمهایی چون بدمینتون، بدنسازی، کبده، اسکواش و سپک تاکرا به لحاظ کسب تجربه ارزشمند بود.

همچنین در حضور ۴۵ کشور آسیایی که برگزارکننده ۴۶ رشته ورزشی بودند، کسب ۴۸ مدال شامل ۱۱ مدال طلا، ۱۵ مدال نقره و ۲۲ مدال برنز که ۹ مدال آن در قسمت‌های تیمی به دست آمد، ارزنده به نظر می‌رسد.

همچنین مدال آوری ۲ ورزشکار زن در رشته تکواندو (مهرروز ساعی و افسانه شیخی) و نیز آتوسا پورکاشیان (در شطرنج تیمی) حکایت از جدی‌تر گرفته شدن ورزش بانوان در ایران دارد که امید می‌رود با تسریع روند فعلی، نقش زنان ورزشکار در موفقیت کاروان‌های ورزشی کشورمان بیش از پیش شود. در نهایت با توجه به تمام دلایلی که ذکر شد، از کاروان اعزامی به بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ قطر باید به نیکی یاد کرد. این در حالی است که مسئولان ورزش قول مساعد داده‌اند تا در دور بعدی بازی‌های آسیایی به رتبه سوم جدول مدال‌ها صعود کنیم که مطمئناً با برنامه ریزی دقیق، شناسایی استعدادها و اعمال روش‌های نوین علمی در ورزش به همراه توجه به ورزش‌های پایه این مهم قابل دسترس است.

مدال و تصاحب رتبه توسط ایرانیان در دوره‌های پیشین به مراتب سخت‌تر از دوره‌های اولیه بازی‌های آسیایی شده است. اما اگر محرومیت وزنه‌برداران ایرانی که امید زیادی به کسب چند مدال رنگارنگ توسط آنها می‌رفت در روزهای منتهی به آغاز بازی‌های آسیایی دوحه اعمال نمی‌شد، مطمئناً تصاحب سکوی پنجم جدول مجموع مدال‌ها امکان‌پذیر بود.

همچنین نادآوری‌های مسجل صورت گرفته در حق مهدی بی‌باک (تکواندوکار وزن منهای ۷۸ کیلوگرم) و جاسم امیری (کشتی‌گیر وزن ۵۵ کیلوگرم کشتی فرنگی) که مدال طلای آنها را در عین ناباوری همگان به مدال نقره مبدل ساخت، اگر با کمی انصاف از جانب مسوولان برگزاری بیکارهای مربوطه مواجه می‌شد، امروز کاروان ورزشی ایران با ۱۳ مدال طلا، حداقل جای چین تاییه را می‌گرفت. البته این نادآوری‌ها در مورد برخی دیگر از ملی‌پوشان کشورمان نیز به شکلی دیگر اعمال گردید.

به لحاظ تعداد ورزشکار شرکت‌کننده از جانب ایران در بازی‌های آسیایی، بعد از مسابقات ۱۹۷۴ تهران که ۳۱۴ ورزشکار از کشورمان در آن رقابتها حضور داشتند، بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه مشابه دوازدهمین و سیزدهمین دوره بازی‌های آسیایی در هیروشیما و بانکوک، پذیرای حدود ۲۰۰ ورزشکار ایرانی بود و کسب ۴۸ مدال با این تعداد ملی‌پوش اعزامی، گویای راندمانی بهتر نسبت به ادوار گذشته می‌باشد.

از ۲۷ رشته‌ای که ایرانیان در آن حضور یافتند، در ۱۶ رشته موفق به کسب مدال شدیم. کسب مدال در ورزشهای تیمی هندبال، بسکتبال، فوتبال، دوچرخه‌سواری، شطرنج و قایقرانی نشان از خارج شدن ورزش کشور از تکیه بر رشته‌های انفرادی

عملکرد کاروان ورزشی ایران در پانزدهمین دوره بازی‌های آسیایی، نشان از حضور موفقیت‌آمیز ورزشکاران کشورمان در بیکارهای دوحه ۲۰۰۶ دارد و این افتخار را باید به حساب مسوولان سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، رؤسای فدراسیونها، مربیان، ورزشکاران، رسانه‌ها و البته ورزش دوستان ایرانی گذاشت.

برخلاف نتایج روزهای نخست، سرانجام کاروان ورزشی کشورمان با حضور در رتبه ششم جدول مجموع مدالها، توانست نمره قبولی بگیرد. ذکر این نکته لازم است که بعد از بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران که هفتمین دوره تاریخ این بیکارها محسوب می‌شد و کاروان ورزشی کشورمان با ۳۶ مدال طلا، ۲۸ مدال نقره، ۱۷ مدال برنز و مجموع ۸۱ مدال در مکان دوم رقابت‌ها ایستاد، بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ قطر به لحاظ تعداد مدال کسب شده (۴۸ مدال) و مرغوبیت این مدالها، در مرتبه دوم از لحاظ شاخصه‌های موفقیت کاروان ورزشی ایران طی ۱۵ دوره برگزاری بازی‌های آسیایی قرار گرفت و به همین دلیل باید موفقیت مذکور را ارج نهاد. البته منتقدان مدعی هستند چون تعداد رشته‌های ورزشی در این مسابقات نسبت به ادوار گذشته افزایش یافته، نمی‌توان مقایسه آماری در زمینه تعداد و مرغوبیت مدالهای کسب شده توسط ورزشکاران ایرانی داشت اما اگر ما قائل به این فرضیه هستیم باید در کنار آن به یاد داشته باشیم که تعداد کشورهای مدعی در ورزش آسیا نیز سال به سال افزایش یافته و توزیع مدالها، گستره متنوع‌تری را تجربه کرده است. ضمن اینکه ورزش بانوان در ۲ دهه اخیر رشد به مراتب چشمگیری نسبت به دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ میلادی داشته و با علم به آماتور بودن فعالیت این قشر از ورزشکاران در کشورمان، باید اذعان کرد کسب



هیچ لباسی پرازنده تر از نندوستی نیست





راه اینجاست



شهید محمد بروجردی

جدیت در اجرای حکم خدا و... اما آنچه امروز از زندگی او برای جوانان ما، درس آموز و شایسته درس گیری است. نرم خوبی و صلح جویی محمد بروجردی، در عین ستیزندگی و رزمندگی اوست. نوع برخورد هدایتی او با زندانیان و عوامل گروههای مسلح در کردستان او را به "مسیح" ملقب ساخت. همچنین برخورد جذبی و هدایتی او در ابتدای انقلاب با برخی گروهها- که اکنون خارج از نظام قرار دارند- و آنها را دارای استعدادی در جهت جذب، در چارچوب انقلاب می‌دید، مثال زدنی است.

زندگی محمد اکنون نمونه ای از مدار و شرح صدر در میدان رزم گشته است. مدارایی که از بنیان با تساهل و تسامح رایج، که بر بنیاد متجددانه و با مضمونی لیبرال، صورت بندی می‌شود، متفاوت است. مدارای بروجردی "مدارای رزمنده" بود. مدارایی با مضمون تربیتی، مدارایی جهت دار و برای نیل به غایت عالم!

مدارای بروجردی در عین قاطعیت در دینداری، در چارچوب تحقق بخشیدن به اراده خدا و رشد و تعالی مستضعفین فکری و فرهنگی صورت می‌پذیرفت.



انحراف فکری و اخلاقی بخش عظیمی از کادرهای مجاهدین خلق و در پی آن حاکمیت فضای یأس و ناامیدی بر مخالفین رژیم پهلوی، محمد را دست به کار کرد تا خود دست به کار شود و راهی نو بگشاید و لذا با مساعدت جمعی از دوستانش گروه جدیدی را پایه گذارد که "توحیدی صف" نام گرفت. گروهی که برخلاف برخی دیگر از گروههای چریکی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با اعتقاد راسخ به رهبری امام همراه بود. البته "توحیدی صف" موفق به کار ایدئولوژی قابل توجهی نشد، اما آنچه این گروه را سرپا نگه می‌داشت بیشتر از ایمان ژرف محمد و جدیت او در دینداری، بهره می‌برد. یکی از دوستان او پس از شهادتش نوشت: "محمد چنان می‌گفت من به همه قرآن که به محمد (ص) وحی شد ایمان دارم که موی بر تن آدمی راست می‌کرد." بر خلاف بسیاری از مبارزین مسلمان در آن دوران محمد به کوچکترین موازین شرعی و اخلاقی پایبند بود.

محمد بروجردی در جریان پیروزی انقلاب در شرایطی که گروههای با سابقه تری همچون مجاهدین خلق مضمحل شده بودند و رهبران انقلاب به بقایای غیر مؤثر ایشان نیز چندان اعتمادی نداشتند، در جریان محافظت از امام، درگیریهای ضد حکومتی ماه‌های آخر منتهی به پیروزی و بعدها تشکیل یکی از شاخه‌های تأثیرگذار سپاه، نقش برجسته ای ایفا کرد. چند ماهی پس از پیروزی جولانگاه گروههای مسلح معارضه جو بود، رفت. با شروع جنگ نیز بر حجم فعالیت‌های وی افزوده شد تا اینکه در اول خرداد ۱۳۶۲ با شهادتش، آغازی دیگر را لبیک گفت.

در مورد ویژگیهای اخلاقی و مبارزاتی شهید بروجردی بسیار گفته‌اند. از وقار و آرامشش. از

نمایش خلقت جهان پرورش انسانها ئی است که در برابر شدائد بر هر چه ترس، شک، تردید و تعلق است غلبه کنند و حسینی شوند. ای شهید، ای آنکه بر کرانه ازلی وجود بر نشسته ای دستی بر آبر و ما قبرستان نشینان عادات را نیز از این منجلاب بیرون کش.

پنجاه سال پیش در روستای دره گرگ بروجردی، کودکی متولد شد که نام او را محمد گذاردند. محمد سالهای کودکی و نوجوانی خود را با فقر خانواده و سایه شوم ستمی گذراند که ارباب با غصب مایملک اصلی خانواده بر آنها تحمیل کرده بود. محمد که از کودکی میرزا خوانده می‌شد، نوجوانی و جوانی را با سخت‌ترین کارهای بدی و تلاش برای کاستن از تنگی معیشت خانواده آغاز کرد. علاوه بر اینکه با وصلت با دختر دایی خود در هفده سالگی، بار مسئولیت او نیز مضاعف گشت.

محمد، دانشگاه ندید! در محافل پر مدعای روشنفکری و انقلابی "خود" می‌نشان نداد. آن روزها نیز چونان امروز، مدعیان بسیار بودند. مدعیانی که از ضرورت پیوند با طبقه پیشتاز سخن می‌گفتند. از ضرورت آراسته شدن به خلیقات کارگری! اما محمد را آنها میانه ای نبود که او از جنس دیگری بود و اصلاً تاروپود او با کار و رنج تنیده شده بود و به نمایش و جلوه فروشی محتاج نبود. او در عین انس با عالم "کار" اندک اندک، جوانه‌های خود آگاهی سیاسی و اجتماعی در جان مستعدش روئیدن گرفت.

البته محمد، بی ادعا کتاب هم خواند، پای سخن این و آن هم نشست. اما خود آگاهی او بیش از هر چیز از طراوت روستایی و بی ریای وی و رسوخ و جدیتش در امر دینداری ریشه می‌گرفت.

در میانه دهه ۵۰، با درهم شکسته شدن یا اضمحلال بسیاری از گروههای مبارز و به خصوص

کاری که در راه خدا باشد مزد خدایی دارد

گشت و گذاری در آسیا

خواندنیهای از هند



روزه برای خدای شیوا

مذهب هندو سه خدای اصلی وجود دارد: «برهما» (Brahma) که خدای آفرینش است. «ویشنو» (Vishnu) که خدای بقا و زندگی است و «شیوا» (Shiva) خدای فنا و نابودی. می‌گویند دنیا بر اثر رقص شیوا از بین خواهد رفت و هر یک از این خدایان همسری دارند تا همراه و یار همسر خود باشند. زنان هندو در یک ماه فصل بارندگی (که از روی تقویم هندی گرفته شده است و با ماه‌های آگوست و جولای - تیر و مرداد - مصادف می‌شود) در روزهای دوشنبه برای خدای شیوا روزه می‌گیرند تا خدای شیوا همسری وفادار و خوب قسمتشان کند و آنان که ازدواج کردند برای سلامتی و حفظ شوهرشان روزه می‌گیرند. در این یک ماه اگر هندویی گوشت‌خوار هم باشد خوردن هر گوشتی برای روزه داران حرام است و غیر از این در روزهای دوشنبه تا غروب آفتاب از خوردن هر نوع خوراکی که غلات، حبوبات، نشاسته و نمک داشته باشد نیز محروم می‌شوند و تنها می‌توانند از میوه،

هندی‌ها ۱۸ خط رسمی دارند و به بیش از ۱۵۰۰

زبان و لهجه صحبت می‌کنند و معروف است که بعد از هر چند کیلومتر آب و هوا و لهجه مردم تغییر می‌کند! پرنده ملی هندوستان طاووس است و آدم یاد این مثل معروف می‌افتاد که: هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد و حیوان ملی شان ببر است و گل ملی شان هم نیلوفر آبی است که حالت مراقبه بودا و صلح و آرامش را به یاد می‌آورد و در نهایت با دانستن شعار ملی هندی‌ها پی به راز آرام زندگی کردن آنها در عین فقر و گستردگی مذاهب و عقاید متفاوت می‌بریم زیرا آنان به شعار ملی خود اعتقاد کامل دارند و همیشه می‌گویند: «همه جهان یکی است»

شمع‌ها شهرت دارد. در این روز همه هندی‌ها «شلوکاس» (در زبان سانسکریت به معنی دعای هندی است) می‌خوانند و یک روز تعطیل ملی است. این عید برای بازگنان و کاسب‌ها بسیار مهم است چون قبل از دیوالی تمام حساب‌های سال گذشته را تسویه می‌کنند و دفتر جدیدی را می‌گشایند. در خانه‌ی هندوها مجسمه «لاکشمی» بازوالات واقعی زن خانه تزئین می‌شود. یعنی خانم خانه گردن‌بند، انگو و گوشواره طلای خود را به مجسمه می‌آویزد و اطراف مجسمه را پر از حلقه‌های گل، میوه می‌گذارد و عود روشن می‌کند. «کشمیت» الهه پول و برکت هندوها است که هر کس آن را عبادت نکند سال بی برکتی را پیش رو دارد در شب «دیوالی» در خانه را باز می‌گذارند زیرا معتقدند «لاکشمی» به خانه هایشان می‌آید و برای آنان پول و برکت می‌آورد. تمام چراغ‌های خانه روشن است و روش کردن شمع در جاشمعی هایی که با روغن می‌سوزند بسیار مهم است. گل‌های نقاش شده بر کف زمین خانه که توسط پودرهای رنگی انجام می‌گیرد یکی دیگر از این آداب است که در زبان هندی آن را «گلی رنگ گلی» می‌نامند.

طبق تقویم قمری اول نوامبر مصادف با دهم آبان «دیوالی» بزرگترین جشن هندوها برپا می‌شود. وقتی تمام مغازه‌ها حراج می‌کنند مردم در خیابان‌ها با ساک‌های خرید در حرکت هستند، تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها سقفی از کاغذهای رنگی و طلایی بر خودشان می‌بینند و چراغ‌های رنگین همه جا به چشم می‌آیند و شیرینی فروشی‌ها شلوغ‌تر از همیشه هستند و کاسب‌ها دخل و خرج یک ساله خود را برای باز کردن دفتر جدیدی باز می‌کنند و توی کوچه پس کوچه‌ها صدای ترقه به گوش می‌خورد یعنی اینکه «دیوالی» نزدیک است. دیوالی برگرفته از کلمه «دیپ والی» است. «دیپ» در زبان سانسکریت یعنی شمع و روشنایی و «والی» به معنی ردیف یا خط است که روی هم به «فستیوال

بزرگترین جشن هندوها فستیوال شمعها در دهلی



دو هفته نامه / شماره نوزدهم / دوم / نیمه دوم / آذر ماه ۱۳۸۵

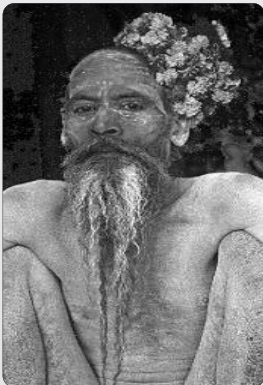


ناپدید می‌شوند که می‌گویند آنان به معبود می‌پیوندند. اما از دیگر شگفتی‌های «جون‌گاد»، دره «گینزهییل» (Gimghill) است که از غیر از معبدی که در نوک کوه آن قرار دارد می‌توان نیم‌رخ یک مرد خفته را نیز در آن دید. گویا این شکل یکی از شگفتی‌های طبیعی جهان محسوب می‌شود. اما



برای رسیدن به معبد باید ۱۰ هزار پله را در دل کوه بالا رفت. معمولاً زائران صبح زود حرکت می‌کنند تا هنگام ظهر به آنجا برسند. هندوها بعضی از معبدهایشان را در بلندی می‌سازند زیرا معتقدند برای رسیدن به

آنجا راه سختی را طی می‌کنند و این سختی آنان را پاک و مقدس می‌کند. در کنار اولین پله‌های سنگی برای رسیدن به معبد تخت‌های روانی قرار دارد که دو تا چهار مرد آن را بردوش می‌گذارند و بالای کوه می‌برند که روی تابلوی بزرگی قیمت هر کیلو گرم وزن مشخص شده و مطابق وزن هر نفر پول پرداخت می‌شود البته این کار بیشتر برای افراد پیری یا ناتوان است که می‌خواهند خود را به قله کوه برسانند و عبادت کنند. همانند آن پیرمرد خمودی که نمی‌توانست قدمی بردارد، پسرانش آن را در آب مقدس شستند و بعد در آغوش گرفتند و تخت روان برایش کرایه کردند تا معبد را پیش از مرگ ببیند و عبادت کند.



شگفتی‌های جون‌گاد

درخت مقدسی در آنجا است که تمامی تنه درخت با نخ‌های سفید و رنگی پیچیده شده بود این درخت مقدس «ساداسوهانگین» نام داشت که زنان به دو علت دور آن نخ می‌پیچیدند، اول برای آن که بچه دار شوند و دلیل دیگر آنان این بود که دعا می‌کنند تا زودتر از شوهرشان بمیرند. این عرف شوهر دوستی در هندوها از آنجا نشأت می‌گیرد که بیشتر هندوها به خدای «شیوا» (خدای نابودی بدی ها) اعتقاد دارند و از آنجا که همسر شیوا « (که اسم دیگرش «شاکتی» است) عاشقانه شوهرش را دوست دارد و برای رسیدن به او سال‌ها روزه می‌گیرد و همیشه آرزو داشته زودتر از همسرش بمیرد.

پیروان مذهب هندو نیز همین آداب را با شوهران خود دارند. آب مقدس این منطقه از دل کوهستان می‌آید و می‌گویند اتفاقات عجیب در آن رخ می‌دهد. هر ساله در ماه‌های اسفند و فروردین (مارس و آوریل) دو دسته از مرتاض‌های هندی با نام‌های «شیواتری» (Shivatri) به معنی شب شیوا و دیگری «ناگا بابا» (naga baba) به معنی راهب‌های لخت که به میان مردم می‌آیند. آنان در غارهای کوهستان به شکل انسان‌های اولیه و عریان زندگی می‌کنند.

همگی مرد هستند و جنس مؤنث در میان آنان راهی ندارد. تمام بدن هایشان را خاکستر می‌مالند زیرا معتقدند پس از مرگ نیز سوزانده خواهند شد و تبدیل به خاکستر می‌شوند پس در زمان زنده بودن با مالیدن خاکستر آن را به خاطر می‌سپارند. آنان پس از یک سال تارک دنیا بودن و در غار زندگی کردن تنها یک شب آن هم ساعت ۱۲ شب عریان بیرون می‌آیند و در میان مردم قدم می‌زنند تا به حوضچه مقدس برسند و در آن شنا می‌کنند و خود را می‌شویند. اتفاقات عجیب در همین زمان رخ می‌دهد.

گروه‌های ۳۰ تا ۵۰ نفری آنان به زیر آب می‌روند و بعد از مدتی تنها معدودی از آنها از آب بیرون می‌آیند چیزی به اندازه ۱۰ یا ۱۵ نفر و بقیه در آب



سبزیجات، شیر، شکر و آب استفاده کنند.

«چون همسر شیوا، شکتی (Sakti) که الهه قهر و نابودی است شیفته و عاشق «شیوا» بوده و برای همین سال‌ها روزه می‌گیرد تا او را به دست آورد و به شکرانه این ریاضت‌ش شیوا همسر شکتی می‌شود و به همین دلیل زنان برای خدای شیوا روزه می‌گیرند تا خواسته آنان را نیز پاسخ گوید.

هندی‌ها آداب خاصی در مصرف غذا دارند آنان غذای خود را اسراف نمی‌کنند زیرا معتقدند با افراط در غذا دچار تنبلی شده و این امر مانع رشد فکری و جسمانی‌شان می‌شود. از سویی دیگر سعی می‌کنند غذای مصرفی‌شان به چرخه طبیعت بسیار نزدیک باشد و به همین دلیل غذاهایی چون ماهی، گوشت، تخم مرغ را باعث برهم زدن آرامش روح و مانعی برای نیایش با خدا می‌دانند. هر منطقه‌ای در هندوستان غذای ویژه خودش را دارد به طور مثال جنوب هند (شهرهایی چون حیدرآباد، شانل و...) غذاهای تند مصرف می‌کنند و غرب (هند مثل کلکته) غذای شیرین و یا شمال هند غذای تند و روغنی (مثل دهلی).

موفقیت طرح تحقیقاتی در مرکز دامغان

عمر با عزت برای بوته‌های گوجه فرنگی



متر مربع آغاز کرده ایم که ضمن موفقیت آمیز بودن، حدوداً ۳ سال است که از این بوته‌های گوجه فرنگی محصول برداشت می‌شود.

وی گفت: برداشت مداوم محصول در تمام فصول سال، افزایش کلیه بوته‌های بارور به وسیله قلمه زدن، حذف هزینه‌های خرید بذر و مقاومت چشمگیر نهال در برابر برخی از قارچ‌های خاکزی و امراض فیزیولوژیکی تولید انبوه نهال از تعداد محدود بوته‌های مادر به وسیله قلم زنی، ضمن صرفه جویی جلوگیری از آلودگی زیست محیطی را بدنبال دارد و مطالعات فوق بر روی گیاهان دیگری نیز صورت گرفته که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

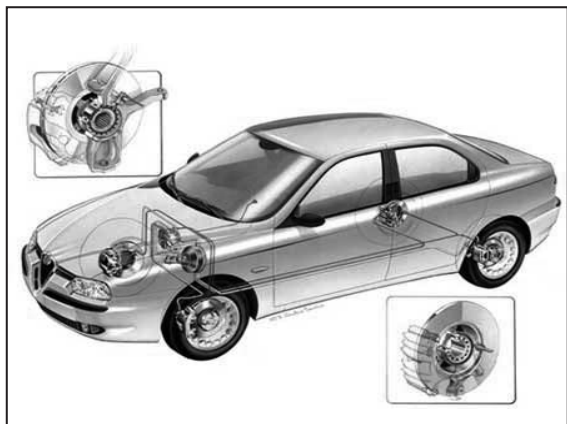
موسوی مهارت، تجربه و در اختیار داشتن امکانات و حمایت شدن از طرف دولت برای توسعه بخش کشاورزی و جذب فارغ التحصیلان کشاورزی برای وارد شدن به عرصه تولید و توسعه را بسیار ضروری دانست و اظهار داشت: مراکز آموزشی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مکان بسیار خوبی است برای ورود فارغ التحصیلان بخش کشاورزی از یک سو، اقدام و حمایت دولت و مسئولان با داشتن برنامه برای این حضور که حلقه اول زنجیره کار و تولید است.

وی گفت: بطور مثال در این مرکز از سال ۸۲ کار تحقیقاتی پرورش و تکثیر دو رقم گوجه فرنگی محدود و نامحدود را در گلخانه‌ای به وسعت ۲۵۰

طی کار تحقیقاتی در مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای دامغان بر روی دو رقم گوجه فرنگی از سال ۸۲ تاکنون برداشت گوجه فرنگی ادامه دارد.

سید نصرت موسوی کارشناس مربی آموزش‌های کشاورزی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای دامغان با اشاره به ویژگیهای آموزش و اشتغال در بخش کشاورزی برای جوانان دارای مهارت و علاقمند اظهار داشت: در این مرکز دوره‌های آموزشی طی سال در رشته‌های پرورش قارچ، کشتکار گلخانه‌ای، باغبانی عمومی و پرورش زنبور عسل برگزار می‌گردد و به لحاظ کوتاه مدت بودن آموزش‌های بخش کشاورزی افراد به تولید و بهره‌برداری از محصول می‌رسند.

مزایای ترمز ABS در خودرو



ABS یا Antilock Brake System.. ترمز و متوقف کردن خوب خودرو در حالت‌های مختلف، یکی از امتیازهای در خودروهای مناسب به حساب می‌آید.

از آنجائیکه بدترین حالت در تصادفات جاده‌ای، عدم کنترل خودرو بر اثر لغزندگی جاده و یا زمانیکه ترمز چرخهای جلو قفل گردد و سنگینی موتور موجب به چرخش در آمدن قسمت عقب خودرو و یا برعکس می‌گردد، کنترل خودرو مختل و فرمان ماشین از کنترل راننده خارج می‌شود.

ترمز ABS در خودرو کمک می‌کند که چرخها از قفل شدن خارج و در چنین شرایطی فرمان خودرو تحت کنترل راننده در آید.

یادآور می‌گردد: ABS معمولی (Mkzo) قابل نصب روی کلیه سیستم‌های پژو می‌باشد.

واحد نقلیه: نادر نیکوروان

یار اگر نادان باشد تنهایی بهتر است





منطق عملی پیامبر اعظم (ص)

آداب و معاشرت در منطق عملی پیامبر

ستمکاران هستند و نباید نقش تماشاگر داشته باشند.

می فرمود: برادرت را چه ظالم باشد و چه مظلوم، یاری نما! اصحاب گفتند: معنی یاری کردن مظلوم را دانستیم ولی ظالم را چگونه یاری کنیم؟ فرمود: دستش را بگیرد تا نتواند به کسی ستم کند! خواننده گرامی از آنجا که ما در روزگار تباهی اخلاق و غلبه شهوات و آفات به سر می‌بریم، مناسب است که در اینجاسیمای صمیمی پیامبران الهی را عموماً و چهره تابناک و حقیقت انسانی محمد پیامبر اسلام را خصوصاً در تابلوی تاریخی مستند و شکوهمندی بباییم که به حق در عصر ما برترین تصویر انسانی نزدیک به حقیقت از آن حضرت است. منشور سه بعدی تاریخ، سه چهره را نشان می‌دهد: قیصران، فیلسوفان و پیامبران.

پیامبران سیمایی دوست داشتنی دارند، در رفتارشان صداقت و صمیمیت بیشتر از ابهت و قدرت پیداست. از پیشانی‌شان پرتو مرموزی که چشمها را خیره می‌دارد ساطع است، پرتویی که همچون «لبخند سپیده دم» محسوس است اما همچون راز غیب مجهول. ساده‌ترین نگاهها آن را به سادگی می‌بینند اما پیچیده‌ترین نبوغها به دشواری می‌توانند یافت.

و این است که هرگاه بر بلندی قله تاریخ برآییم انسانها را همیشه و همه جا در پی این چهره‌های ساده اما شگفت می‌بینیم که «عاشقانه چشم به آنان دوخته‌اند». ابراهیم، نوح، موسی و عیسی،

رسول اکرم (ص) کاملترین انسان و بزرگ و سالار تمام پیامبران است. در عظمت آن حضرت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید او را با تعبیر «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» مورد خطاب قرار می‌دهد و او را به عنوان انسانی الگو برای تمام جهانیان معرفی می‌نماید: «سیره و سخن (پیامبر خدا برای شما الگوی نیکویی است.» او به حق دارای اخلاقی کامل و جامع تمام فضایل و کمالات انسانی بود.

خداایش او را چنین می‌ستاید: «انک لعلی خلق عظیم»: «ای پیامبر تودارای بهترین اخلاق هستی.» «اگر تندخو و سخت دل می‌بودی مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند.» از این رو، یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اسلام، اخلاق نیکو و برخورد متین و ملایم آن حضرت با مردم بود. در طول زندگانی او هرگز دیده نشد و قشش را به بطالت بگذرانند.

در مقام نیایش همیشه می‌گفت: «خدا یا از بی‌کارگی و تنبلی و زبونی به تو پناه می‌برم.» و مسلمانان را به کار کردن تحریض می‌نمود.

او همیشه جانب عدل و انصاف را رعایت می‌کرد و در تجارت به دروغ و تدلیس، متوسل نمی‌شد و هیچ‌گاه در معامله سختگیری نمی‌کرد و با کسی مجادله و لجاجت نمی‌نمود و کار خود را به گردن دیگری نمی‌انداخت. او صدق گفتار و ادای امانت را قوام زندگی می‌دانست و می‌فرمود: این دو در همه تعالیم پیغمبران تأکید و تأیید شده است. در نظر او همه افراد جامعه، موظف به مقاومت در برابر

پیامبران بزرگ تاریخ این چنین بوده‌اند، اما محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم الانبیا است چگونه است؟ در برابر کسانی که با وی به مشاجره بر می‌خاستند وی تنها به خواندن آیاتی از قرآن اکتفا می‌کرد و یا عقیده خویش را با سبکی ساده و طبیعی بیان می‌کرد و به جدل نمی‌پرداخت.

زندگی اش، پارسایان و زاهدان را به یاد می‌آورد. گرسنگی را بسیار دوست می‌داشت و شکیباییش را بر آن می‌آزمود. گاه خود را چندان گرسنه می‌داشت که بر شکمش سنگ می‌بست تا آزار آن را اندکی تخفیف دهد.

در برابر کسانی که او را می‌آزردند چنان گذشت می‌کرد و بدی را به مهر پاسخ می‌داد که آنان را شرمنده می‌ساخت. هر روز، از کنار کوچه ای که می‌گذشت، یهودی ای طشت خاکستری گرم از بام خانه بر سرش می‌ریخت و او بی آنکه خشمگین شود، به آرامی رد می‌شد و گوشه ای می‌ایستاد و پس از پاک کردن سرو رو و لباسش به راه می‌افتاد. روز دیگر با آنکه می‌دانست باز این کار تکرار خواهد شد مسیر خود را عوض نمی‌کرد.

احکام

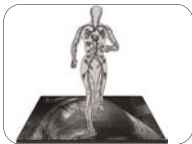
س - مالی که از پیدا شدن صاحب آن مأیوس شده و باید صدقه داده شود آیا عین آن را باید صدقه داد؟ یا می‌شود قیمت آن را بعنوان صدقه پرداخت کرد؟! ج باید عین مال موجود را صدقه بدهد و اگر بخواهد بفروشد باید با اجازه حاکم شرع باشد	ج - یک نفر معمولاً مانع اتصال و بهم خوردن اتصال صف نمی‌شود. بلی اگر مانع دیدن امام یا مأومی که امام را می‌بیند بشود صدق حائل می‌کند و مانع می‌شود.
س - اگر در صف اول جماعت دو بچه ممیز اقتدا کنند آیا اتصال بهم می‌خورد؟ ج - اگر علم به بطلان نماز آنها نداشته باشید اتصال بهم نمی‌خورد.	

بهترین کارها بعد از ایمان به خدا دوستی با مردم است



تازه های علمی

ورزش اشتها و اخلاق را متعادل می‌کند



یک متخصص تغذیه گفت: ورزش علاوه بر متعادل کردن اشتها نقش مؤثری در بهبود خلق و خوی فرد دارد. ورزش متابولیسم بدن را بالا برده و از احتمال بروز چاقی می‌کاهد.

وی اضافه کرد: به افراد چاق توصیه می‌شود از غذاهایی استفاده کنند که محتوای انرژی بالایی نداشته نباشند. نان باگت، سیب زمینی پخته یا پوره شده، نان فرانسوی، نانهای کم سبوس و غلاتی نظیر برنج که خیلی پوره یاله شده باشند انرژی بالایی دارند. وی یادآور شد: خربزه، هندوانه و انگور نیز با افزایش سریع قند خون منجر به افزایش ریسک ابتلا به چاقی می‌شوند.

طراحی تلفن همراهی که متن را به صحبت تبدیل می‌کند



یک شرکت تولید کننده تلفن‌های همراه در کره جنوبی نسل جدیدی از محصولات خود را طراحی و روانه بازار کرده است که دارای قابلیت‌هایی هم چون تبدیل متون مختلف به «بیان شفاهی» در سطحی بسیار واضح است. این موتور ارتقاء دهنده، می‌تواند متون را به زبان‌هایی هم چون روسی، انگلیسی و چینی قدیمی به صورت بیان شفاهی برگرداند. این محصول جدید فعلاً در روسیه و تایوان روانه بازار شده است.

بر اساس گزارش pcmag، یکی از مدیران ارشد این شرکت گفت: هدف اصلی ما از طراحی چنین موتوری، کاربردی‌تر کردن گوشی‌های همراه در نقاط مختلف جهان و در میان دارندگان آن با زبان‌های مختلف و محلی است.

پزشکی



کیبوردهای خطرناک

آپانگران سرماخوردگی، آنفلونزا و میکروب‌های بیماری‌زا هستید؟ پس مراقب دستگیره‌ها، دکمه‌های آسانسور، گوشی تلفن، کیبوردها، لباس‌های چرک و توالت‌های عمومی باشید. بسیاری از بیماری‌های ویروسی نظیر اسهال، آنفونزا و سرماخوردگی در محیط‌های آلوده از طریق هوا یا سطوحی که با آنها در تماس هستیم منتقل می‌شوند، بسیاری از مردم تصور می‌کنند میکروب‌ها در جاهای خاصی زندگی می‌کنند در صورتی که برای میکروب‌ها جای خاصی وجود ندارد. میکروب‌ها فقط به گوشی تلفن، دستگیره در و دکمه آسانسورها نمی‌چسبند، آنها همه جا هستند. تحقیقات آزمایشگاهی دانشمندان نشان می‌دهد که کیبورد کامپیوترها، آبخوری‌های موجود در مکان‌های عمومی و تلفن‌های عمومی منبع سرشاری از میکروب‌ها هستند. آنها می‌گویند کیبوردهای کامپیوترها مثل رستوران و میز غذا برای میکروب‌های موجود در توالت‌های عمومی است. حتی صفحه کامپیوترها هم میزبان میکروب‌ها هستند و ما معمولاً نسبت به تمیز کردن آنها دقت کافی نداریم.

هر جا که باکتری باشد ویروس هم هست. ویروس‌ها روی سطوح خشک تا چند روز و روی سطوح خیس و مرطوب تا چندین هفته باقی می‌مانند. ویروس‌ها به چشم دیده نمی‌شوند و مردم باید در مورد مکان‌های زندگی آنها بیشتر بدانند. میکروب‌ها و ویروس‌هایی که مکان تجمع آنها توالت‌ها هستند می‌توانند عامل انتقال انگل شیگلا، هپاتیت آ و سالمونلا شوند.

محققان دریافته‌اند استفاده از دستمال‌های آنتی باکتریال و ژل‌های پاک‌کننده و ضدعفونی کننده می‌تواند از انتقال بسیاری از بیماری‌ها جلوگیری کند.

مآئه



ازگیل

زادگاه اولیه ازگیل ایران و نواحی معتدل آسیا و اروپا است. این میوه اولین بار در نواحی معتدل آسیا و اروپا دیده شده است. تقریباً خواص آن با زالزالک یکسان است.

این میوه دارای ویتامین‌های آ و ب و ویتامین‌هاست و سرشار از تانن است و میوه و برگ ازگیل به عنوان قابض و رفع التهاب معده توصیه و تجویز شده است و رسیده این میوه دارای قند و جوهر لیمو است.

هسته ازگیل خوراکی است و اگر آن را کوبیده و به صورت پودر درآوردید و به مقدار یک قاشق چایخوری با چای و شربت ریشه جعفری استفاده کنید بر روی سنگ کلیه و مثانه تأثیر بسزایی دارد. ازگیل سینه را نرم می‌کند و عطش را فرو می‌نشاند و ضد صفرا است. پماد آن جوش‌های بدن را از بین می‌برد.

برای معالجه اسهال خونی می‌تواند دوپست تا سیصد گرم آن را بدون پوست خورد می‌تواند یک کیلو از میوه ازگیل با کمی شکر به صورت شربت درآورد، و چهار روز متوالی، روزی یک چهارم آن را بخورید.

ازگیل طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر طبیعت سرد و خشک است و با تانن قابل ملاحظه‌ای که دارد مقوی قابض است. اگر نارس باشد بیشتر قابض است و برای جلوگیری از خونریزی (بواسیر، خونریزی رحمی و غیره) مفید است. از جوشانده برگ ازگیل که ۵۰ گرم برگ را در هزار گرم آب بجوشانند بصورت قرقره برای فرونشاندن ورم مخاط گلو و ناراحتی‌های حلق گلو استفاده می‌شود.



نگران نگرانی‌هایتان نباشید



اکثر ما به طور دائم نگرانیم. نگران شغلیمان، نگران بچه‌هایمان، نگران این که دیگران چه فکری در باره ما می‌کنند و نگران خیلی چیزهای دیگر. برخی افراد از این هم فراتر رفته و عقیده دارند که نگرانی، یک امر لازم و ضروری است. ولی باید دانست که نگرانی، خیلی هم بی‌ضرر نیست. زیرا اول باعث سرازیر شدن حوادث بد به سمت شما می‌شود و دوم برای سلامتی شما مضر است. پس با نگرانی‌ها چه کنیم؟ بهتر است فکر کردن به آنها را به تعویق بیندازیم. یعنی اول به «عمل» بپردازیم و فکر کردن به نگرانی‌ها را به زمان نامشخص در آینده موکول کنیم. این به طور دقیق همان کاری است که افراد موفق انجام می‌دهند. هر وقت از چیزی نگران می‌شوید. از خودتان بپرسید: «مشکلی که دقیقاً در این لحظه با آن روبه‌رو هستم چیست؟» می‌دانید به چه جوابی خواهید رسید؟ به طور معمول در لحظه حاضر با مشکل جدی‌تری روبه‌رو نیستید، (مگر این که در موقعیتی باشید که حیات شما را به خطر انداخته و با خطر مرگ مواجه شوید!)

بدیهی است که حوادث ناگوار یا بیماری‌ها برای همه ما رخ خواهند داد و مشکلات اقتصادی ممکن است به سراغ ما هم بیایند اما دلیلی ندارد که به علت آنچه که هنوز نیامده، تمام عمر از ترس بلرزیم. وقتی که بحرانی در زندگی رخ می‌دهد، باید با آن «قدم به قدم» برخورد کرد. اگر ذهنتان را رها کنید، دائمی می‌خواهد درون آینده برای خود رخنه‌ای باز کند و شما را نیز با خود به آینده ببرد. به این ترتیب در میان نگرانی‌های آینده له خواهید شد. پس در زمان «حال» بمانید. هرآنچه که اکنون می‌توانید انجام دهید و نگران روزی که هنوز نیامده نباشید.

چرا؟

چرا مغز بیشترین انرژی را مصرف میکند؟



مغز انسان ۲۰ درصد از کل انرژی مصرفی بدن را مصرف می‌کند و این بیشترین اندازه‌ای است که یک عضو به تنهایی مصرف می‌کند. شاید خیلی‌ها این مسئله را خودشان تجربه کرده‌اند، زمانیکه درس می‌خوانیم احساس خستگی و گرسنگی شدیدی به ما دست می‌دهد با اینکه تحرک‌های فیزیکی زیادی نداشته ایم؟

چرا یک تومان معادل ده ریال است

از جمله کلماتی که دائماً با آن سروکار داشته ایم و آن را روزانه بکار می‌بریم ریال و تومان است. همه میدانیم به ده ریال، یک تومان هم می‌گویند «تومان» یک کلمه مغولی است، بمعنی ده هزار. در تقسیمات لشگری به ده هزار سرباز، تومان گفته و فرمانده آنرا امیر تومان می‌نامیدند. این کلمه پس از تسلط مغول بر ایران در این سرزمین متداول گردید. واحد پول ایران در دوره قاجاریه، تومان بود یک تومان معادل ده قران و برابر ده هزار دینار بود. در سال ۱۳۰۸ شمسی به موجب قانون احد، پول ایران تغییر یافت و واحد پول به ریال تبدیل گردید و ولی هنوز کلمه تومان به قوت خود باقیست و بمعنی ده ریال بکار برده میشود.

چرا کلمه دیکتاتور بوجود آمده؟

دیکتاتور مأخوذ از لاتین به معنی «من گفته ام» را میدهد. این اصطلاح در زمان امپراطوری روم در حدود پانصد سال قبل از میلاد بوجود آمد. علتش این بود: در شرایط اضطراری و ضروری، سنای روم یکنفر را با اختیارات تام، بمدت شش ماه انتخاب می‌کرد که حرفش قانون بود و هر چه میخواست می‌بایست انجام میشد. این شخص را «دیکتاتور» می‌نامیدند.

نکات خانه داری

لکه شمع بر روی پارچه:



برای از بین بردن لکه شمع در دو طرف پارچه، کاغذ خشک کن قرار داده و روی آن اتوی داغ بگذارید. شمع به کاغذ خشک کن می‌چسبد و لکه را از بین می‌رود.

تمیز کردن اثر سوختگی اتو:



اگر لباس شما بر اثر گرمای زیاد اتو، زرد رنگ شد، می‌توانید یک پیاز را دو نیم کرده و روی پارچه کتانی بمالید. لکه‌های زرد رنگ بر طرف خواهند شد. بعد آن را چند دقیقه داخل آب سرد خیس کنید و بشوید.

لکه بر روی سفره:



اگر سفره شما بر اثر چربی لک گرفته است و با شستن هم از بین نمی‌رود، می‌توانید سفره را بعد از شستن به مدت یک روز در آفتاب روی بند لباس پهن کنید. با اینکار نور خورشید لکه‌های سفره را از بین می‌برد.

از بین بردن رسوبات داخل کتری



برای از بین بردن رسوبات ناشی از آب داخل کتری یا قوری، کافی است آن را از محلولی تهیه شده از آب و سرکه به اندازه مساوی پر کرده و سپس آن را روی گاز قرار داده تا به جوش بیاید. بعد از کمی جوشیدن، آن را از روی حرارت برداشته و بگذارید محلول یک شب تا صبح داخل کتری یا قوری بماند.

راهی برای بهتر رنگ دادن زعفران



برای اینکه زعفران شما بهتر رنگ بدهد می‌توانید از روش زیر کمک بگیرید: درون یک استکان کوچک به مقدار مورد نیاز زعفران ساییده بریزید و دو قاشق غذا خوری آب جوش به آن اضافه کنید. بعد از اینکه برنج را آبکش کردید و داخل قابلمه ریختید استکان حاوی آب و زعفران را در برنج فرو برید و دم کنی را روی قابلمه بگذارید. بادم کشیدن برنج، زعفران هم دم می‌کشد و بهتر رنگ می‌دهد.



دیپرس یا زودرس، کدام یک؟

مشکلات هویت‌یابی نوجوانان را بیشتر بشناسیم



می‌کنند و نمی‌دانند که کدام یک از نقش‌ها من واقعی اوست. علاوه بر این آنها آگاهانه تلاش می‌کنند تا نقش‌های مختلفی را بیازمایند به این امید که نقش متناسب با خودشان را بیابند.

دیپرس یا زودرس؟

اریکسون، روانشناس سوئدی معتقد است که هویت ممکن است از دو راه منحرف شود و بحران بوجود بیاورد. یکی ممکن است پیش از آنکه رشد کند تثبیت شود (یعنی پیش از موعد شکل بگیرد) و دوم این که بدون هیچ محدودیتی گسترش پیدا کند. نوجوانانی که هویت‌شان پیش از موعد تثبیت شده است به هویت‌یابی زودرس دچار شده‌اند. برای این گونه افراد تأیید دیگران اهمیتی اساسی دارد. آنها معمولاً برای مراجع قدرت اهمیت زیادی قائلند. بیشتر با نوجوانان دیگر هم نوایی می‌کنند و کمتر استقلال رأی دارند، برخلاف این دسته گروه دیگری از نوجوانان که دوره‌ای طولانی را برای هویت‌یابی می‌گذرانند، به هویت‌یابی زودرس دچار شده‌اند، آنان شاید هیچ‌گاه به احساس هویتی روشن و قومی دست پیدا نکنند. این‌ها جوانانی هستند که نمی‌توانند خود را بیابند. خود را رها و فارغ از پیوند دیگران نگه می‌دارند و در حالت تجرد و دوران پیش از شکل‌گیری هویت باقی می‌مانند. نوجوانانی که دچار سردرگمی هویت هستند، عزت‌نفس کمی دارند و استقلال اخلاقی‌شان رشد نیافته است. آنان به دشواری مسئولیت‌زدگی خودشان را برعهده می‌گیرند، تفکری نامنظم دارند، برای ابتلا به انواع آسیب‌های اجتماعی آماده‌اند و روابط فردی‌شان غالباً سطحی و گاه و بیگاه است، این گونه افراد هر چند که با نحوه‌ی زندگی والدین‌شان کاملاً مخالف‌اند اما نمی‌توانند از خود شیوه‌ای جدید ابداع کنند. نتایج برخی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد جوانان ما بیش‌تر با هویت‌یابی زودرس مواجه می‌شوند تا زودرس، براساس این پژوهش‌ها هویت‌یابی جوانان در سنین بالاتر از بیست سال شکل می‌گیرد، در حالی که سنین ما بین ۱۳ تا ۲۲ سالگی سال‌های اوج هویت‌یابی است.

این سؤال کلیدی امروز دغدغه‌ی خاطر بسیاری از پژوهش‌گران و روان‌شناسان شده و بحث‌های نظری بسیاری را برانگیخته که همگی در حواشی موضوع هویت و این که آدمی در چه دورانی و به چه اشکالی به هویت خود می‌رسد، دور می‌زند.

هر کس بتواند به پرسش من کیستم؟ پاسخ دهد و برای سه واژه‌ی «زندگی»، «هدف» و «انسان» تعریف روشنی داشته باشد، هویت او شکل گرفته است، انسان بی‌هویت در واقع خود را گم کرده است و خلاقیت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را نمی‌شناسد و در هاله‌ای از ابهام بسر می‌برد. فرد در سنین نوجوانی و جوانی ارزش‌ها را نفی می‌کند و به باورها پشت پا می‌زند، چون می‌خواهد به همه چیز «نه» بگوید تا به یک نقطه‌ی محکم برسد. حالا اگر فرد در پایان این دوره به ایدئولوژی، مکتب، برنامه و هدف خاصی برسد، هویتی منسجم در او شکل گرفته که مبنای اصلی شخصیت او برای ورود به بزرگسالی است.

هویت چیست؟

هویت نوعی ارزش‌یابی از خود، ارزش‌ها، باورها، اهداف زندگی و ابعاد مختلف شخصیتی و زیستی است که به فردیت اشخاص بستگی نام دارد و معمولاً در دوران نوجوانی و جوانی پی‌ریزی می‌شود.

ماهیت بحران هویت

در دوران نوجوانی فرد با مجموعه‌ای از تغییرات فیزیولوژیکی، روانی، شناختی و نیز تقاضاهای اجتماعی جدیدی روبرو می‌شود، در نتیجه نوجوانان به این مسأله که در چشم دیگران چگونه جلوه می‌کنند، اهمیت بسیاری می‌دهند و آن را با تصویری که از خود دارند مقایسه می‌کنند و نیز با این مسأله روبرو هستند که چگونه نقش‌ها و مهارت‌هایی را که قبلاً آموخته‌اند با مقتضیات آینده ارتباط دهند. به همین دلیل است که در دوران نوجوانی هویت‌یابی مسأله‌ای حاد می‌شود.

بسیاری از نوجوانان احساس می‌کنند که در هر موقعیت یا زمانی نقش بازی



حکایات پند آموز

سخنان ارزشمند

گفت: «این شهر برای شما است. خواهش می‌کنم تاج پادشاهی را بر سر خود بگذارید و مرا هم به عنوان خدمتگزار خود قبول بفرمایید. شاهزاده گفت: «من از پادشاهی و فرمانروایی دل کنده‌ام و دوست دارم مثل مردم عادی زندگی کنم.» امیر شهر گفت: «پس قبول کنید که به دستور شما این شهر را اداره کنم.» شاهزاده قبول کرد و حکومت آن شهر زیر نظر او بود. روزی برای امیر، سفری پیش آمد و به شاهزاده گفت: «خانه و زندگی ام را به دست شما می‌سپارم. خوب از آنها ننگه داری کنید تا از سفر برگردم.» شاهزاده پذیرفت و با جان و دل از زندگی امیر شهر مراقبت کرد. روزی در کنار قصر نشسته بود که دختر امیر روی بام آمد و هنگامی که او را دید یک دل نه صد دل عاشق او شد. بعد، چند نامه برای او فرستاد: «میل دارم همسر تو شوم. با من ازدواج کن.» شاهزاده نامه‌های او خواند و سوسه می‌شد که این کار را بکند، اما به خودش می‌گفت: «من هزار دینار داده‌ام که در امانت خیانت نکنم.» و چون دختر امیر، امانت بود، به حرف‌های او اعتنایی نکرد. دختر امیر که از رسیدن به شاهزاده ناامید شده بود در نامه‌ای دیگر او را تهدید کرد و نوشت: «اگر با من ازدواج نکنی، سرت را از دست خواهی داد. من هر کاری از دستم برآید برای نابودی تو انجام خواهیم داد.» شاهزاده باز هم به نامه او توجهی نکرد. وقتی که امیر شهر برگشت، دخترش به او گفت: «تو، ما و زندگی ات را به دست آدمی خیانتکار سپردی و رفتی. این مرد چندین بار به من نامه نوشت و تقاضای ازدواج کرد، ولی من قبول نکردم. او می‌گفت اگر با من ازدواج نکنی پدرت را خواهد کشت!» و آن قدر گفت و گفت که آتش خشم امیر شعله ور شد. امیر، برای یکی از نگهبانان قصر نامه‌ای نوشت و آن را مهر کرد و به دست شاهزاده داد تا آن را به دست نگهبان برساند. او به شاهزاده گفت: «باید این نامه را خودت تنهایی ببری!» شاهزاده نامه را گرفت و به طرف قلعه رفت تا نگهبان را پیدا کند. در میان راه، چند نفر از دوستان خودش را دید که سرگرم بازی و تفریح بودند. آنها وقتی که شاهزاده را دیدند گفتند: «بیا و با ما خوش باش.» شاهزاده گفت: «امیر کار مهمی به من سپرده است. او نامه‌ای داده که باید آن را برای فلان نگهبان ببرم.» مرد کچلی آنجا بود که نامه‌های دختر امیر را به دست شاهزاده می‌رساند او گفت: «اگر اجازه بدهید، خودم با احتیاط نامه را می‌برم و جوابش را می‌آورم.» شاهزاده با خود فکر کرد که: «هزار دینار داده‌ام تا روز خوب و شاد خودم را با بد عوض نکنم. حالا که همه خوش می‌گذرانند، بهتر است که من هم با آنها باشم.» این بود که نامه را به کچل داد تا آن را ببرد. کچل رفت و نامه را به دست نگهبان داد. نگهبان نامه را باز کرد و دید که در آن نوشته‌اند: «سر آورنده‌ی نامه را از تنش جدا کن و برای من بفرست. امضا امیر شهر.» نگهبان بی معطلی شمشیرش را کشید و سر کچل را از تن جدا کرد و برای امیر فرستاد. امیر وقتی که سر کچل را به جای سر شاهزاده دید، خیلی تعجب کرد و با خود گفت: «شاید در این کار رازی از راه‌های خداوند باشد.» بعد، شاهزاده را صدا زد و از او پرسید: «راستش را بگو! وقتی من به سفر رفتم توجه می‌کردی و چه می‌گفتی؟» شاهزاده که منظور امیر را فهمیده بود، گفت: «قسم می‌خورم که بی گناهم.» و برای اثبات حرف خود، نامه‌های دختر را به دست امیر داد و گفت: «این نامه‌ها را همان کچل به دست من می‌رسانید. گویا عاقبت به سزای کار خود رسید.» امیر، او را بخشید و از اینکه درباره‌اش فکرهای بدی کرده بود معذرت خواست. به این ترتیب، شاهزاده از مرگ نجات پیدا کرد و معلوم شد که هر کدام از آن سخنان ارزشمند، بسیار بیشتر از پولی که بابت آنها پرداخته بود، ارزش داشت.

پادشاهی، پسری بسیار باهوش و دانا داشت. پادشاه، پسرش را مثل چشم‌های خودش دوست داشت و همیشه آرزوی این بود که پسرش جانشین او شود. عاقبت مرگ به سراغ پادشاه آمد و بعد از اینکه پادشاهی را به پسرش سپرد، از دنیا رفت. بعد از مرگ پادشاه دشمنان فراوانی از گوشه و کنار کشور پیدا شدند. آنها سعی می‌کردند که پادشاه جدید را از تخت پایین بیاورند. شاهزاده بسیار دل‌تنگ شد، چون اهل جنگ نبود و می‌دانست که نمی‌تواند با آنها مبارزه کند. این بود که روزی، مقداری طلا و جواهر گرانبها از خزانه برداشت و با چند نفر از یاران خود، فرار کرد. لباس پادشاهی را در آورد و لباس بازرگانان را پوشید. رفت و رفت تا به شهری رسید. تصمیم گرفت چند روزی در آن شهر استراحت کند. روزی با یکی از همراهان خود، در شهر می‌گشت و بازارها را تماشا می‌کرد که ناگهان به دکانی رسید. مردی در آن دکان نشسته بود و بساط‌ترو تمیزی پهن کرده بود. کتاب‌های زیادی در کنار هم چیده بود و آنها را می‌فروخت. شاهزاده سلام کرد و جواب گرمی شنید. کمی آنجا نشست و پرسید: «تو اینجا چه کار می‌کنی؟» مرد گفت: «سخن‌های حکمت آمیز می‌فروشم. شاهزاده تعجب کرد و گفت: جنس ارزشمندی داری، اما در این دوره و زمانه کسی خریدار آن نیست.» مرد گفت: «در این دنیا آدم زیاد است. هرکس خوش شانس باشد، جنس من به دستش خواهد رسید و به هر قیمتی که بفروشم، خواهد خرید.» شاهزاده هزار دینار داد و گفت: «یکی از آن سخن‌هایی را که می‌گویی، به من بفروش.» مرد، پول‌ها را گرفت و گفت: «هیچ وقت در میان دره‌ها خواب، سعی کن همیشه روی بلندها باشی.» شاهزاده گفت: «سخنی دیگر هم می‌خواهم.» مرد گفت: «برای سخن اول پول دادی اگر دومی را می‌خواهی باید پولش را بدهی.» شاهزاده گفت: «سخن تو خیلی ساده بود، اما قبول دارم. امیدوارم که دومی بهتر از اولی باشد.» شاهزاده هزار دینار دیگر داد و شنید: «هیچ وقت در امانت خیانت نکن.» شاهزاده گفت: «سومی را هم بگو.» مرد گفت: «پول بده تا بگویم.» شاهزاده گفت: «این هم هزار دینار دیگر.» مرد گفت: «هیچ وقت روز خوب و شاد خود را با روز بد عوض نکن.» شاهزاده از پیش آن مرد برخاست و با خود گفت: «این حرف‌ها به چه درد من خواهد خورد؟» در همین فکرها بود که متوجه شد همراهانش رفته‌اند. به دنبال آنها رفت و دید که در دره‌ای چادر زده‌اند. با خود گفت: «هزار دینار داده‌ام که هیچ وقت میان دره‌ها نخوابم. این حرف نباید بیهوده باشد.» با این فکر، رفت و روی تپه‌ای چادر زد. بعضی از همراهان او تبلی کردند و پیش او نیامدند. نیمه‌های شب بود که باران شدیدی، شروع به باریدن کرد و سیل بزرگی در میان دره به راه افتاد. سیل همه آنها را که در دره خوابیده بودند، با تمام اسبها و وسایلشان از جا کند و با خود برد. شاهزاده و چند نفری که همراه او بودند، بر روی آن تپه از گزند سیل در امان ماندند و نجات پیدا کردند. شاهزاده با خود گفت: «خوب شد. نصیحت اول آن مرد به هزار دینار می‌ارزد.» شاهزاده و همراهانش به سفر ادامه دادند و پس از چند روز به شهری رسیدند. شاهزاده رفت که خانه‌ای پیدا کند، تا خود و دوستانش در آن استراحت کنند. در شهر می‌گشت که شنید جارچی‌ها فریاد می‌کشند: «مردم، کنار بروید. امیر شهر می‌خواهد بگذرد.» شاهزاده در کناری ایستاد و از لایه لای جمعیت دید که امیر شهر همان کسی است که پدرش حکومت شهر را به او سپرده است. امیر هم با دقت به او نگاه کرد و شاهزاده را شناخت. او وقتی که به قصر خود رسید، کسی را فرستاد تا شاهزاده را بیاورند. وقتی که شاهزاده به قصر رسید امیر جلوی پای او بلند شد و با احترامی تمام

معرفی کتاب‌ها و نشریات موجود در کتابخانه سازمان

عنوان:
نگرشی بر تحولات صنایع دستی در جهان

نویسنده: حسین یآوری، فروهر نورماه
تهران: سوره مهر: ۱۳۸۴
چکیده:
امروزه صنایع دستی نه تنها در بیش از ۱۰۰ کشور عضو شورای جهان صنایع دستی بلکه در سایر ممالک غیر عضو شورا نیز در حال احیاء و گسترش و یا لااقل در حال شکل‌گیری و تشکل‌پذیری است. آگاهی از وضعیت روز صنایع دستی و به ویژه نقش مهم آن در توسعه اقتصادی و فرهنگی و جذب گردشگران خارجی، حایز اهمیت فراوان است.

عنوان:
رسم فنی و پرسپکتیو در طراحی معماری

تألیف: سیدمحمدرضا موسویان
تهران: آذرخش: ۱۳۸۰
چکیده: این کتاب شامل کلیاتی از روش رسم فنی و پرسپکتیو و نقش آن در طراحی‌های معماری است که در این رابطه ابتدا انواع روشها در ارائه تصاویر را یادآوری می‌کند و سپس اصول رسم فنی به طریقه ای آسان که قابل درک عموم علاقه مندان، بخصوص در رشته‌های معماری و ساختمان باشد توضیح داده است.

عنوان:
امیل، یا، آموزش و پرورش

تألیف: ژان ژاک روسو
تهران: ناهید: ۱۳۸۰
چکیده:
ژان ژاک روسو فیلسوف و نویسنده قرن هجده فرانسه یکی از بنیانگذاران علم تعلیم و تربیت است که آثار برجسته اش از جمله قرارداد اجتماعی، اعترافات، امیل و مقالات متعددی در باب موازین تربیتی هنوز مورد استناد تحقیقات آموزشی است و بر آموزش و پرورش و نیز مناسبات اجتماعی تأثیری ژرف داشته است.

عنوان:
مدیریت راهبردی (برنامه ریزی، اجرا و کنترل)

نویسنده: محمود حسینی
تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ۱۳۸۳
چکیده:
این کتاب مجموعه ای از آخرین دیدگاههای اندیشمندان مدیریت را برای پاسخ دادن به چالشها و مسائل جدید مدیران در عصر فراصنعتی فراهم کرده است و در نوع خود از جامع ترین و معتبرترین کتابهای مدیریت راهبردی است که در سالهای اخیر انتشار یافته است.

عنوان:
آموزش ۲۰۰۴ Flash mx (فلش ام. ایکس ۲۰۰۴) پیشرفته /

تألیف: راسل چان
ترجمه: ابوالفضل کشوری
تهران: ناقوس: ۱۳۸۴
چکیده:
این کتاب برای طراحان، انیماتورها و تولیدکنندگانی است که می‌خواهند مهارت‌های فلش خود را ارتقا دهند. شما با اصول میانمایی آشنایی دارید و آماده هستید تا فعالیت‌های پیچیده‌تر مانند وارد کردن نمایش تصویری، ماسک کردن، کنترل پویای صدا، یا تشخیص برخورد movie clipها را انجام دهید.

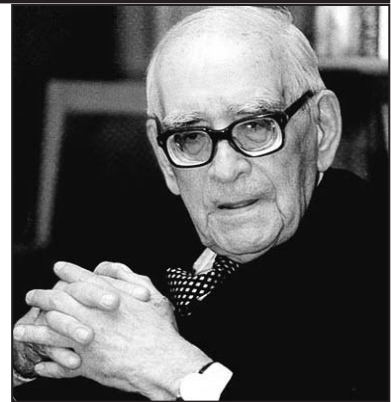
عنوان:
مدیریت بدون زور و اجبار

نویسنده: نسرین ملکی.
تهران: گندمان / ۱۳۸۴
چکیده:
این کتاب با استفاده از تئوری کنترل به بررسی علل و انگیزه‌های رفتار آدمی می‌پردازد و به ما می‌آموزد که چگونه می‌توان مدیریت راهبرانه را جایگزین مدیریت رئیس مآبانه نمود. مطالعه و به کارگیری مطالب این کتاب برای کلیه دانشجویان مدیریت و همچنین مدیران و کلیه کسانی که به نوعی دست اندکار سازماندهی هستند توصیه می‌شود.



په‌ره هائ مانرگار

دکتر محمود حسابی دانشمندی با خصوصیات ناب ایرانی



دستگاه رادیولوژی (برای برادرش دکتر محمدحسابی)، بنیان گذاری فرهنگستان زبان ایران، نقشه برداری و احداث راه آهن تهران شمشک، تأسیس دانشگاه تهران و ریاست و تدریس در این دانشگاه، تأسیس مرکز عدسی سازی اپتیک کاربردی در دانشگاه تهران، برپایی اولین رصدخانه نوین در ایران، پایه گذاری مدارس عشایری در کشور، تأسیس انجمن ژئوفیزیک ایران، پایه گذاری مرکز تحقیقات اتمی و تأسیس راکتور اتمی دانشگاه تهران، تأسیس مرکز مدرن تعقیب ماهواره در شیراز، تأسیس انجمن فیزیک ایران و...

در تمام مدت خدمت به وطنش از کارهای علمی چون عضویت در کنگره ریاضیات اسلو در نروژ، عضویت در کنفرانس علمی پرینستون، عضویت در هیات تحقیقاتی انستیتو تحقیقات هسته ای شیکاگو، عضویت در آکادمی علوم نیویورک، عضویت در کنفرانس اتمی ژنو، عضویت در انجمن فیزیک اروپا و امریکا و... غافل نبود.

او در سال ۶۸ بعنوان مرد علمی سال جهان انتخاب شد و در سال ۷۱ در حالی که هنوز صاحب کرسی و استاد دانشگاه تهران بود در ساعت ۷/۳۰ صبح دوازده شهریور در بیمارستان دانشگاه ژنو پس از یک دوره بیماری درگذشت.

راهش پر رهرو و روحش شاد



تا اینکه یک روز به این فکر افتاد که «چرا شغل‌هایی که تاکنون داشته‌ام باعث رضایت خاطر من نشده‌اند؟ برای یافتن پاسخ به سراغ استادش دکتر ژانه رفت و دکتر ژانه او را به سمت پروفیسور فابری استاد دانشگاه سوربن و فیزیکدان معروف راهنمایی کرد. وی پس از پذیرفته شدن در امتحان مربوطه به این رشته قدم به وادی فیزیک گذاشت و با تلاش زیاد پس از سه سال موفق به اخذ دکترای فیزیک از دانشگاه سوربن شد. (در سن ۲۷ سالگی). در همان زمان از میان پانزده هزار نفر داوطلب بعنوان یکی از پنج نفری که پای درس انیشتین می‌نشستند انتخاب شد و در پرینستون آمریکا با این مرد بزرگ روبرو شد و یکسال بعد تئوری بی‌نهایتی ذرات خود را ارائه داد و باره‌نمایی انیشتین و تحقیقات در دانشگاه شیکاگو توانست آن را به نظریه ای زیبا و قابل دفاع تبدیل کند و این نظریه را بطور دقیق برای دانشمندان بزرگ دیگری چون بورن، فرمی و شرودینگر شرح داد. و سپس نشان «کومان‌دور دول‌لژبون دونور را که بزرگترین نشان علمی دانشگاه فرانسه است دریافت کرد. زمان بازگشت به دانشگاه پرینستون انیشتین او را به جانشینی کرسی خود در این دانشگاه برگزید و افتخار بزرگی را نصیب او کرد.

پس از یکسال تحقیقات در این کرسی و این دانشگاه به فکر بازگشت به وطن و خدمت به وطن افتاد و پس از سالهای طولانی قدم به خاک ایران گذاشت. او در ایران باسختی و مشقات فراوان موفق به کارهای علمی بسیار شد از جمله: تأسیس دارالمعلمین تهران، ساخت اولین رادیو در کشور، تأسیس دانشسرای عالی و تدریس فیزیک و مکانیک در آن، ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی، نصب اولین

داستان زندگی مردی بزرگ که زندگی‌اش نموداری از یک پژوهشگر به تمام معنی است. در تمام حیات مقدسش یک لحظه هم فکر توقف و سکون به ذهنش راه نداد. دانشمندی با خصوصیات ناب ایرانی: استعداد، تلاش و پشتکار بی پایان همراه با تعصب ملی.

دکتر محمود حسابی در سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شد. در پنج سالگی همراه با خانواده‌اش عازم بیروت شد. پدرش «معز السلطنه» کنسول ایران در شامات بود ولی پس از مدت کوتاهی خانواده‌اش را برای همیشه ترک کرد و به تهران بازگشت. بدین ترتیب دکتر حسابی در غربت آواره و طرد شده همراه با مادر و برادرش در خانه حاج علی تفرشی نگهدارنده سفارتخانه ایران در بیروت به سختی روزگار می‌گذرانید. ولی در این دوران سختی از تحصیل غافل نماند و تحصیلات متوسطه را در کالج آمریکایی و بعد تحصیلات عالی در دانشگاهی را در رشته ادبیات دانشگاه بیروت گذراند. پس از آن به تحصیل در رشته راه و ساختمان، سپس معدن و بعد ریاضیات و ستاره شناسی در بیروت پرداخت و در همه این رشته‌ها موفق به اخذ مدرک مهندسی شد. در سال ۱۳۰۵ برای تحصیل حقوق وارد دانشگاه سوربن شد و پس از طی دو سال این رشته به گذراندن رشته پزشکی و ادامه تحصیل در رشته ریاضیات و ستاره شناسی و سپس اخذ مدرک مهندسی برق از دانشکده برق پاریس پرداخت. در طی این مدت از طریق کار در یک دفترخانه اسناد رسمی در بیروت، یک آزمایشگاه بیولوژی و راهسازی برای یک شرکت فرانسوی در لبنان، یک بیمارستان و سپس راه آهن برقی در فرانسه زندگی را می‌گذراند.

تنها نزد کسی شکایت کن که بتواند مشکل تو را حل کند

آموزش فنی و حرفه‌ای و واژگان بین‌المللی

«معانی اصلی + واژگان هم‌خانواده»

Garden	باغ
	باغچه - باغستان - حیاط - ناحیه حاصلخیز - باغی - باغستانی
Hoe	بیل زدن
	کج بیل - بیل باغبانی - کندن - مرتب کردن
Propagation	تکثیر
	تولیدمثل - زادوولد - تبلیغ - ترویج - اشاعه - (فیزیک) انتشار
Grass	علف
	چمن - علفزار - مرغزار - چراگاه - مرتع - ماری جوانا - خیرچین پلیس - آنتن
Greenhouse	گلخانه
Grower	پرورش دهنده
	پرورش دهنده (گل - میوه و غیره)
Graft	پیوند زدن
	پیوند - وصله کردن با - وصله زدن به - پارتی بازی - رشوه خواری - رشوه - پارتی بازی کردن - رشوه دادن - حق و حساب دادن - تلاش کردن - زحمت کشیدن - عرق ریختن - کاروکوشش - سخت کوشی - جدیت
Cultivation	داشت
	کشت - زراعت - کشت و کار - کشت کاری - شخم - پرورش - ایجاد - فرهیختگی - با فرهنگی - دوستی و رفاقت
Cultivator	زارع
	کشاورز - (ماشین) علف چین
Seed	بذر پاشی
	دانه - تخم - هسته - بذر - نطفه - (تئیس) بازیکن تراز اول - تخم دادن - به تخم نشستن - بذر افشاندن - (از میوه) هسته در آوردن
	تهیه و تنظیم: امور بین الملل

آیا می‌دانید که؟

آیا می‌دانید که ظروف پلاستیکی ۵۰ هزار سال طول میکشد تا در طبیعت شروع به تجزیه شدن کنند؟



آیا می‌دانید که سوسکه‌ها سریعترین جانوران ۶ پا میباشند. با سرعت یک متر در ثانیه؟!



آیا می‌دانید که روشنایی قرص کامل ماه ۹ برابر هلال ماه میباشند؟



آیا می‌دانید که اسبها قادرند در حالت ایستاده بخوابند؟



آیا می‌دانید که مزه سیب، پیاز و سیب زمینی یکسان میباشند و تنها بواسطه بوی آنهاست که طعم‌های متفاوتی می‌یابند؟



آیا می‌دانید که غده‌ها قادر به حرکت دادن چشمان خود در کاسه چشم نمیباشند؟



آیا می‌دانید که خودروسازی بزرگترین صنعت در جهان میباشند؟



آیا می‌دانید که آب دریا بهترین ماسک زیبایی پوست است، البته بخاطر منیزیم و املاح معدنی موجود در آب دریا میباشند؟



آیا می‌دانید که پل خواجودر زمان سلاطین صفویه در اصفهان ساخته شده است؟



آیا می‌دانید که کنه که حشره‌ای ریز است، میتواند یک سال تمام بدون غذا زنده بماند؟



پیام مهربانه



تسلیت

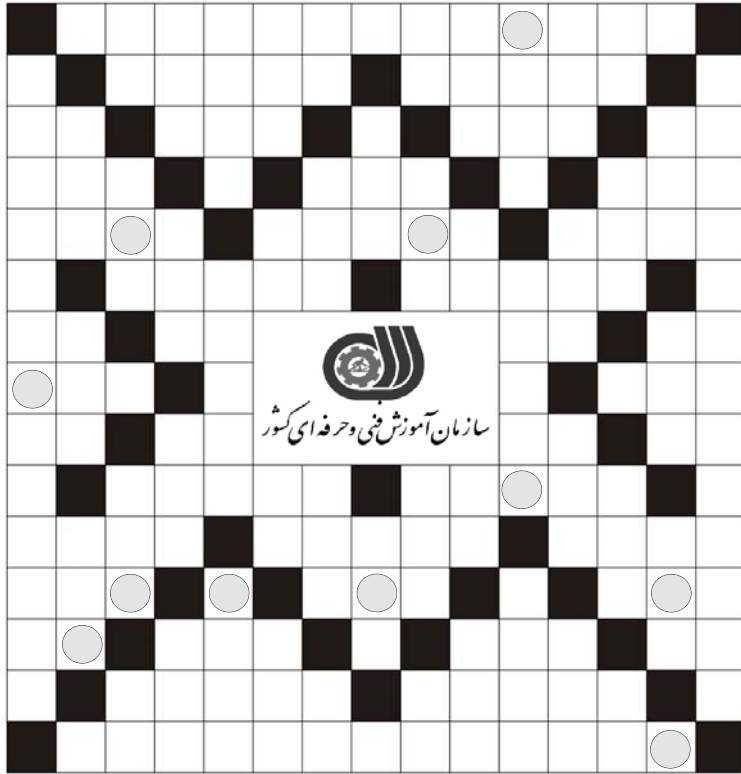
آقای جمشید هنرمند همکار ارجمند در واحد مخابرات ما را در غم خود شریک بدانید.
بدینوسیله درگذشت خانم آذر خوانساریان از همکاران ستادی را به کلیه کارکنان سازمان تسلیت عرض می‌نمائیم.

تبریک

آقای سیروس خوش‌سیما، دانشجوی ممتاز بسیجی، کسب عنوان بسیجی نمونه «در سال پیامبر اعظم» را به شما تبریک عرض نموده و موفقیت روز افزون برایتان آرزومندیم.

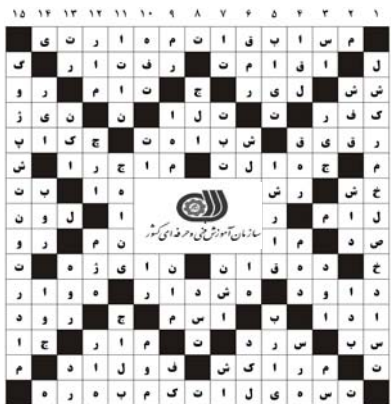


۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



- افقی
- ۱- روز پیروزی هراتی
 - ۲- شجاع و دلیر - پاکبان
 - ۳- صفحه اینترنتی - دریا - از آلات موسیقی - علامت مفعولی
 - ۴- چاخان - کثیفی - خواب
 - ۵- بازرگانان - سیستم عامل جدید بیل گیتس - زمین‌های زراعی
 - ۶- کتاب بوعلی - هنوز بی کران نشده است
 - ۷- پامال - علامت جمع فارسی - صدمتر مربع - سلام روسی
 - ۸- اغما - از اقوام مغضوب
 - ۹- آخر کار - درخت انگور - دفاع فوتبالی - تکرار یک حرف
 - ۱۰- از تقسیمات جانداران - حرمت گزاردن داخل شدن - پرونده قدیم - درگیری
 - ۱۱- روشن و نورانی - ملت ها - مقیاس هواسنجی
 - ۱۲- تا یزد فاصله ای ندارد - از حروف الفبای فارسی - در عزا و عروسی سرمی‌زنند - ورق کاغذ
 - ۱۳- خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران - نیک

حل جدول شماره ۱۸



- دوستی - از مرتجعین
- ۱- سیلی بانکی - صاحب بیشترین طلای
 - ۲- ۲۰۰۶ دو حه - از تمدن‌های باستانی - خواهر امیلی
 - ۳- در زمستان از وظایف شهرداری است - آخر ماه قمری
 - ۴- مخفف اگر - مکتوبات - طایفه و قوم - گفتگو
 - ۵- آنسوی آمد - ... آنکه رفته ای - کاه کوچک - راه فرار
 - ۶- کالا - اپراتور - هنرهای خارجی
 - ۷- از علامات شرط - زبان و خسران - معدن - دردل کوه
 - ۸- مورچه ریز - جد - حقوق - هنوز نترسید
 - ۹- شایسته - دولت ها - آرزو

- آن توصیه زرتشت است
- ۱۴- کاربردان رایانه این روزها برای دسترسی به آن دچار مشکلاتی هستند عمودی
 - ۱- رسیدن به آن از برنامه‌های بلند مدت قوه مجریه است
 - ۲- پول زور - با حضور عامه می‌گویند - کوچک و ظریف
 - ۳- سیب گاز زده - شکاف سر قلم - ستم - از حروف ندا
 - ۴- از میوه‌های بهشتی - مسیر و جاده - از اقوام ایرانی - دشمنی
 - ۵- مهارت داشتن در امری - از درختان زیبا - ورزشی جدید
 - ۶- پسوند شبا همت - تکرار یک حرف -

همکاران محترم پس از حل جدول تا تاریخ ۸۵/۱۰/۱۰ می‌توانند رمز جدول را از طریق حضوری، پست، تلفنی و یا email به دفتر نشریه چهارده ارسال کنند.

به سه نفر از همکاران ستادی، سه نفر از همکاران مناطق هدایایی به رسم یادبود اهداء می‌شود.

تنها مردان خدا هستند که از قدرت مغرور نمی‌شوند





دوهفته نامه سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور
کاری از اداره روابط عمومی

تلفن: ۶۶۴۲۷۶۹۷، ۶۶۴۱۴۶۵

نشانی: خیابان آزادی، نبش خوش، سازمان آموزش فنی و حرفه ای

پست الکترونیکی: 14email@irantvto.com

سر دبیر: محمد حسینی

مفحه آرا: زهرا پاک

تصویریه: مرضیه آقامیری، زهرا پاک

طراح جلد: پگاه گودرزی

خمیر: آنی میرزاخانیان

چاپ: انتشارات سازمان

تمام شان وعظمت انسان در فکر اوست

